

معنابخشی به زندگی و مؤلفه‌های تأثیرگذار آن در پیشگیری از جرم از منظر قرآن کریم*

- قدرت‌الله خسروشاهی^۱
- سارا سادات هاشمی^۲
- علیرضا نجفی اسکندری^۳

چکیده

یکی از پرسش‌های اساسی که در جهت‌دهی به نگرش و رفتار انسان تأثیر زیادی دارد، واکاوی چرایی و چیستی «زندگی» و در نتیجه فهم «چگونه زیستن» است. رویکرد به معنا و مفهوم زندگی، تابعی از نگرش به انسان، هستی و هستی‌آفرین و نسبت میان آن‌هاست. درک ناصحیح این مؤلفه‌های بنیادین، تأثیر غیر مستقیم زیادی در انحراف انسان و ارتکاب جرایم دارد. بر این اساس، جرایم در هر جامعه باید متناسب با فرهنگ خاص آن جامعه بررسی شوند. بر اساس آموزه‌های قرآن کریم، معنابخشی به زندگی و پیشگیری اولیه از وقوع جرم و گمراهی، مهم‌ترین سیاست جنایی اسلام است. هدف نهایی این سیاست، تعلیم

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۹/۱ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۳/۱.

۱. استادیار دانشگاه اصفهان (ghkho44@yahoo.com).

۲. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی (نویسنده مسئول) (ss.hasheme2011@yahoo.com).

۳. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی (rezanajafi81@yahoo.com).

و تربیت انسان‌هایی است که به منظور رشد خود با اراده‌ی تربیت‌یافته بتوانند از ارتکاب جرم اجتناب کنند. در این دیدگاه، ایمان به وجود اموری غیبی، نظارت خداوند، ارسال پیامبران از سوی او و در نتیجه اعتقاد به امداد رسانی‌های او در رویارویی با مشکلات و وجود جهانی دیگر جهت کسب پیامدهای اعمال خود در این دنیا و همچنین ایمان به خلقت هدف‌دار، به زندگی انسان معنا می‌بخشد و از انحرافات او جلوگیری می‌کند.

واژگان کلیدی: قرآن، جرم‌شناسی، پیشگیری از جرم، معنابخشی، انسان، هستی.

مقدمه

بر اساس یافته‌های روان‌شناسی اجتماعی، نگرش‌ها، تعیین‌کننده رفتار هستند و چگونگی و نوع نگرش انسان‌ها به موضوعات اساسی خلقت، به طور مستقیم یا غیر مستقیم بر چگونگی رفتار آن‌ها تأثیرگذار است. در مقابل، گاهی نیز رفتارها بر نگرش افراد مؤثر واقع می‌شوند. بر این اساس، تغییر رفتارهای افراد در اجتماع، مبتنی بر تغییر اعتقاد و نگرش آن‌هاست. به نظر می‌رسد با گشودن راز و معنای حیات و آشکار شدن مفهوم زندگی، بتوان برخی از مسائل پیچیده زندگی انسانی از قبیل درد و رنج مشکلات، زمینه‌ها و دلایل ارتکاب جرایم و ناامنی‌های اجتماعی را حل کرد. به نظر برگر،^۱ انسان‌ها همواره کوشیده‌اند به وسیله دین، وجود خود و جهان را معنادار سازند. بنابراین، دین به عنوان یک مقوله بررسی شده توسط انسان، در زندگی به وی معنا و جهت می‌دهد (علمی و حسن‌زاده، ۱۳۸۶: ش ۸۳).

با بررسی مهم‌ترین نگرش‌های معنابخش به زندگی انسان نظیر «نگرش توحیدی»، «احساس خودارزشمندی» و «هدفمند بودن زندگی» و یا معنابخشی به زندگی انسان و جهان هستی، می‌توان رفتارهای انسانی را در یک مسیر مشخص و هدف‌دار جهت‌دهی کرد. این موضوعی است که قرآن کریم به عنوان یکی از اساسی‌ترین راهبردهای کنترل رفتار، مبتنی بر معنابخشی به زندگی بر اساس یک سلسله اعتقادات و باورهای ویژه همراه با علقه‌های عاطفی و معرفتی بیان کرده است که در واقع بهترین راهکارها برای پیشگیری از انحراف و بزهکاری محسوب می‌گردند. معنابخشی به زندگی انسان

1. Berger.

به عنوان بهترین راهکارِ دوری از بزهکاری امری است که کمتر مورد بررسی جرم‌شناسان قرار گرفته است. از این رو مقاله پیش رو می‌کوشد تا با بیان راهکارهای قرآنی در جهت مغایبختی به زندگی انسان نشان دهد که یکی از دستاوردهای عمل به این راهکارها این است که شخص به جایی می‌رسد که داوطلبانه و بی‌هیچ اجباری و بدون نیاز به استفاده از ابزارها و راهکارهای پیشگیری وضعی، از انحراف و بزهکاری پرهیز می‌کند.

۱. راهکار اعتقاد به غیب

در هندسه معرفتی قرآن کریم، اعتقاد به غیب و در رأس آن ایمان به پیام آسمانی، چنان تفکر هدفمند و معناداری برای انسان بنا می‌نهد که خود می‌تواند به عنوان اهرمی اساسی در سنجش عملکرد و رفتار و عاملی مؤثر در بازدارندگی از انحرافات عمل نماید. در فرهنگ قرآنی، ایمان به غیب، عبارتی جامع است برای ایمان و اعتقاد راسخ انسان به حقایق ماورای ادراک حسی و علوم تجربی بشر که در عالم وجود دارد. همه حقایق و ارزش‌ها را نمی‌توان با دانش فهمید و دانش تنها به پرسش‌های مربوط به بخشی از واقعیت پاسخ می‌گوید و نمی‌توان با علم ثابت کرد که یک ارزش از ارزش دیگر بهتر است (کوئن، ۱۳۸۲: ۱۹-۲۰).

۱-۱. اعتقاد به خدا و نفی پلورالیسم^۱ دینی

در فرهنگ قرآنی اعتقادات و نگرش‌های پرمعنایی وجود دارد. اصلی‌ترین نگرش، اعتقاد به خداست و قرآن کریم بر آن بسیار تأکید می‌ورزد. ایجاد خدشه در این نگرش، زمینه‌ساز تزلزل در سایر اعتقادات و پذیره‌های انسانی و در نتیجه بی‌هویتی و انحراف انسان است. همچنین بر اساس این اصل، انسان‌ها حق ندارند هیچ کس و هیچ چیز دیگری غیر از خدا را پرستند (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۶: ۴۱).

چنین وضعیتی یعنی توحید و خداپرستی موجب می‌شود نگرش فرد به همه هستی و

۱. واژه پلورالیسم، برگرفته از دو کلمه پلورال (Plural) به معنای «جمع» و ایسم (Ism) به معنای «گرایش» است و در معنای لغوی به معنای جمع‌گرایی و کثرت‌گرایی می‌باشد.

زندگی انسان، هدف‌دار و معنادار باشد و در رفتارها، با انسجام، وحدت رویه و آرامش عمل کند (پناهی، ۱۳۸۹: ش ۲/۷۷-۹۶). اعتقاد به خدا همچون هر نگرش دیگر، حالتی است روانی که ممکن است در هر انسانی ایجاد شود و بدین لحاظ دارای مؤلفه‌های سه‌گانه تشکیل‌دهنده نگرش معنادار می‌باشد. از حیث تحلیل عقلی، اعتقاد به خدا، به ترتیب دارای سه مؤلفه «عقیده و شناخت»، «ایجاد علقه عاطفی و انگیزشی» و در نتیجه «رفتار ظاهری» است (حسینی، ۱۳۸۰: ۱۵۰). خداوند متعال در قرآن یادآوری می‌کند که اگر انسان به فطرت خود مراجعه کند حقایق توحید را درک خواهد نمود.^۱ اعتقاد به خدا، همراه با اعتقاد و ایمان به فرامین الهی و ایجاد علاقه و عاطفه‌ای است که در صورت نهادینه شدن آن در باورهای انسان، تأثیر مستقیم و غیر مستقیمی در رفتار انسان خواهد داشت و شدیدترین این محبت نسبت به خالق انسان خواهد بود (ر.ک: بقره/ ۱۶۵). بنابراین همه روابط انسان با دیگران توسط خداوند متعال تنظیم می‌گردد و نفرت یا علاقه خویشاوندی و عاطفی هیچ‌گاه نباید مانع دوری از حق و تظلم به آن‌ها شود. به گونه‌ای که خداوند خطاب به حضرت نوح عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید که نباید از فرزند کافر خود شفاعت بکند و محبت واقعی به خداوند، ملازم با پیروی از فرامین اوست: ﴿وَلَا تَكُن مَعَ الْكَافِرِينَ﴾ (هود/ ۴۲).

«اعتقاد به خدا» در مقابل نگرش‌های «کفرآمیز، مشرکانه، منافقانه و پلورالیسمی» قرار می‌گیرد. پلورالیسم در حوزه معرفت‌شناختی در مقابل دیدگاه توحیدی است (پارسانیا، ۱۳۸۱: ش ۲۳/۲۴؛ ر.ک: بقره/ ۲۵۵). قرآن، عبادت نکردن غیر خدا را کافی نمی‌داند و شرط دیگری دارد که «اطاعت نکردن از رقیبان و معارضان خدا» می‌باشد (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۶: ۴۷):

۱. ﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتَ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ * أَوْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَشْرَكَ آبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا ذُرِّيَّةً مِنْ بَعْدِهِمْ أَفَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ الْبَاطِلُونَ﴾ (اعراف / ۱۷۲-۱۷۳)؛ ﴿وَلَيْن سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَهُمْ يَقُولُوا اللَّهُ فَأَنَّى يُؤْفَكُونَ﴾ (زخرف / ۸۷).

۲. و برخی از مردم، در برابر خدا همانندهایی برای او برمی‌گزینند و آن‌ها را چون دوستی خدا دوست می‌دارند، ولی کسانی که ایمان آورده‌اند به خدا محبت بیشتری دارند. کسانی که با برگزیدن بت‌ها به خود ستم نموده‌اند اگر می‌دانستند هنگامی که عذاب را مشاهده کنند تمام نیروها از آن خداست و خدا سخت کیفر است.

﴿أَفَقَمِرَ اللَّهُ أَبْتَعَى حَكَمًا﴾ (انعام / ۱۱۴)؛ آیا کسی جز خدا را داور بخواهم و انتخاب کنم!؟

زیربنای هر اندیشه معنوی پایدار و به دنبال آن رفتار متقن، ایمان راسخ و به دور از تزلزل و انحراف است. قرآن کریم ضمن پذیرش آزادی بیان،^۱ مجازاتی سخت و نابخشودنی را برای کفار و مشرکان اعلام است و در واقع ریشه تمام کجروی‌ها و انحرافات را روی گردانی از اصل توحید و روی آوری به کفر و شرک می‌داند؛ چرا که این مسئله زیربنای همه اعتقادات پذیرفته شده بشری است که سایر آموخته‌های او بر اساس این مبنا تنظیم می‌گردد و بنابراین شرک عامل اساسی انحرافات و هلاکت بشر محسوب می‌شود (بهشتی، ۱۳۸۸: ۲۱).

۱-۱-۱. اعتقاد به همراهی و نظارت خداوند و تأکید بر یاد خدا

یکی از پیامدهای اعتقاد به توحید، ایمان به حضور و نظارت همیشگی او بر بندگان است که باعث می‌شود انسان به این اعتقاد برسد که جهان خلقت، تحت سیطره علم الهی قرار دارد و هیچ امری در عالم نیست که بر او پوشیده باشد. قطعاً اگر انسان خدا را حاضر و ناظر بر اعمال خود بداند^۲ و یقین داشته باشد که خداوند متعال و نگهبانان و فرشتگان او همه افکار و اعمال او را حتی در نهان رصد می‌کنند^۳ و اگر کوچک‌ترین کار خیری بکند یا ذره‌ای شرارت ورزد، نتیجه آن را خواهد دید،^۴ با تمام توان می‌کوشد تا از دستورات خالق و مالک خود سرپیچی نکند. همچنین اگر همیشه و همه جا قدرت مطلق را حس کند هیچ گاه به خود اجازه ظلم به سایر بندگان خدا را نمی‌دهد و می‌داند که خداوند متعال که بین قلب او و نفس وجودی اوست، انتقام خواهد گرفت^۵ و اگر سه نفر در یک اتاق در بسته‌ای هستند خداوند چهارمین آن‌هاست.^۶ این نوع نگرش باعث می‌شود تا انسان در حق بندگان خدا ظلم نکند و در لحظات غربت و

۱. ﴿الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ﴾ (زمر / ۱۸).

۲. ﴿أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى﴾ (علق / ۱۴).

۳. ﴿إِنْ تَبَدَّوْا شَيْئًا أَوْ خَفَوْهُ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا﴾ (احزاب / ۵۴).

۴. ﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ* وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ﴾ (زلزال / ۷-۸).

۵. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَهُ الْغُثِّ وَالرَّحِيْقِ﴾ (انفال / ۲۴).

۶. ﴿مَا يَكُونُ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا هُوَ رَاقِبُهُمْ﴾ (مجادله / ۷).

اندوه از حقیقت منحرف نشود و با امید به قدرت الهی تصمیم نابخردانه‌ای نگیرد (دستغیب، ۱۳۸۶: ۳۴۵-۳۴۶)؛ چرا که خداوند امور او را کفایت می‌کند.^۱

اگر انسان در همه حالات خدا را شاهد و ناظر اعمال خویش بداند، در محضر او گناه نمی‌کند؛ زیرا به خاطر حیای ذاتی، اصولاً انسان در حضور بچه‌ای کوچک از ارتکاب عمل ناشایسته شرم دارد و اگر در جای خلوت با یقین راسخ، مولای خود را شاهد بر رفتار خود بداند، از خدا شرم می‌کند و مرتکب گناه نمی‌شود. در نظر مؤمن، عالم مانند مدرسه‌ای است که مدیر و ناظم آن اخلاق و انضباط شاگردان را زیر نظر دارد و نتیجه کار و رفتار آن‌ها را ضبط می‌کند (عارف، ۱۳۸۷: ۱۳۱).

از سوی دیگر، اعتقاد به حضور و نظارت خداوند موجب می‌شود تا آدمی همواره او را به فراموشی نسپارد و به یاد او و حضورش باشد و در واقع، حقیقت عبادت «تذکر» است و یاد خدا بودن و از غفلت خارج شدن که این خود باعث بازداشتن انسان از اندیشه‌های منحرفانه و منکرات است (مطهری، ۱۳۸۵: ۱۳۶):

- «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي» (طه / ۱۴)؛
- «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ» (عنکبوت / ۴۵).

در حقیقت، اگر علم و اعتقاد با خوف و خشیت همراه باشد، بازدارنده است و یاد تنها کافی نیست:

«إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَنَ الْغَيْبَ» (یس / ۱۱)؛ اخطار تو فقط برای کسی ثمربخش است که تذکر بپذیرد و در نهان از خدای رحمان بترسد.

با یاد خدا می‌توان از وسوسه‌های شیطان دور بود؛ چرا که خداوند در قرآن، شیطان را به جهت وسوسه و ایجاد زمینه‌های گمراهی و هلاکت انسان به عنوان دشمن آشکار (ر.ک: اسراء / ۵۳) معرفی کرده و از انسان خواسته است تا به دلیل تأثیر پذیری از اغوای او (اعراف / ۱۶-۲۷) و نیز فریب کاری‌ها (اعراف / ۲۷)، خدعه (حشر / ۱۶) و حمله همه‌جانبه (اعراف / ۱۱-۱۷) او را دشمن خویش بداند و از او دوری کند (فاطر / ۵-۶) و از پیروی وی پرهیزد (بقره / ۱۸۶) و همواره از وسوسه‌های شیاطین انس و جن به خداوند متعال پناه

۱. «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ» (نحل / ۱۲۸).

ببرد (ناس / ۶-۱)؛ یعنی از انسان می‌خواهد تا به تزکیه نفس و خودسازی بپردازد و همواره مواظب دشمن درون باشد و با یاد خدا و اعتقاد راسخ از الهامات پلید شیاطین به خدا پناه ببرد؛ زیرا شیطان سوگند خورده که همه انسان‌ها را گمراه می‌نماید (فاطر / ۶). بنابراین پیروی از وسوسه‌ها و دسیسه‌های شیطان یکی از عوامل اصلی آلوده شدن انسان‌ها به گناه و مانع مهم کسب تزکیه به شمار می‌رود که جرم‌شناسی پیشگیری به آن اشاره نکرده است.

۱-۲-۱. اعتقاد به امدادهای الهی و صبر در برابر مشکلات

زندگی انسان‌ها همواره با سختی و مشکلات همراه است.^۱ گاهی مشکلات متعددی بر انسان چیره می‌شوند و او را در معرض آسیب‌پذیری و انحراف قرار می‌دهند. تمایل به انحراف، زمانی بیشتر می‌شود که فرد احساس کند در برابر تحمل رنج‌ها و مشکلات، هیچ چیز عایدش نخواهد شد. ایمان به حضور و نظارت همیشگی خداوند بر بندگان باعث می‌شود انسان با امید و نشاط بر مشکلات چیره شود و دچار انحراف نگردد. توجه به این مسئله غیبی است که همه حوادث دنیا در پیشگاه خداوند رخ می‌دهد و او به همه چیز آگاه و بیناست. خداوند متعال با حمایت معنوی و امدادهای غیبی از کسانی که در مشکلات قرار گرفته‌اند به ایشان امید می‌دهد که صابران پاداش خود را بی حساب دریافت خواهند کرد (زمر / ۱۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۱: ۲/۴۴۷) و هرگز از رحمت الهی مأیوس نشوند که جز کافران از رحمت او مأیوس نمی‌شوند:

﴿وَلَا تَيْأَسُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَتَيْأَسُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ﴾ (یوسف / ۸۷).

افراد هنگامی که در برابر مشکلات زندگی قرار می‌گیرند، اگر احساس تنهایی نموده و گمان کنند که قادر نیستند آن مشکل را حل کنند، یأس و اضطراب، پوچی و بی‌هویتی و در نتیجه تمایلات منحرفانه از خود نشان می‌دهند. در این هنگام ممکن است که زمینه انحراف فراهم شود و بخواهند از راه‌های نامتعارف از مشکلات رهایی یابند، ولی راهکار صبر و امید به امدادهای غیبی قادر متعال، عامل مهمی در بازداشتن آن‌ها از اندیشه‌های مجرمانه می‌باشد.

۱. ﴿قَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَيْبٍ﴾ (بلد / ۴)؛ به درستی که ما انسان را در سختی‌ها آفریدیم.

۱-۳. اعتقاد به دعا و الهی بودن هدایت انسان

یکی از مؤلفه‌های مهمی که جرم‌شناسی پیشگیری به آن اشاره نکرده است دو عامل غیبی «توجه به دعا» و «الهی بودن هدایت انسان» است. بر اساس آموزه‌های قرآن کریم انسان باید به نقش تربیتی خداوند یقین داشته باشد: ﴿إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ﴾ (عنکبوت/ ۴۵)، یعنی وقتی می‌گویند: «اللَّهُ رَبِّي»، به این معناست که هستی من و پرورش من به دست اوست (دستغیب، ۱۳۸۶: ۳۳۶). ضمناً هدایت الهی به معنای جبر نیست، بلکه این هدایت و رحمت نیازمند زمینه‌ای است که انسان باید با اختیار و ایمان و اراده صادقانه خود آن را فراهم سازد تا مشمول رحمت و هدایت خداوند شود. از همین رو خداوند متعال می‌فرماید: «به من ایمان آورند، باشد که هدایت یابند» (بقره/ ۱۸۶).

خداوند راه را به انسان نشان داده و انسان را پس از هدایت، آزاد گذاشته است که هر کدام را که می‌خواهد آزادانه و در عین حال مسئولانه برگزیند (بقره/ ۳۸؛ عباس‌نژاد، ۱۳۸۵: ۵۰۳) و اگر وارد مسیر ایمان و عبودیت بشود نصرت الهی در هدایت او تحقق می‌یابد و هدایت واقعی ویژه مؤمنان است.

همچنین به کفاری که مغرورانه چراغ علم مبتنی بر تکبر و هوس را برداشته‌اند و با تمسک به مکتب‌های مادی‌گرا، به دنبال خوشبختی دنیوی هستند، هشدار می‌دهد که این سرابی بیش نیست و خداوند در این نظام احسن خلقت چراغ آن‌ها را خاموش خواهد نمود (بقره/ ۱۷) و مؤمنان نیز علی‌رغم ایمان به خدا، اگر گاهی به دلیل ناآگاهی یا غفلت، در کاستی‌ها و تاریکی‌ها به سر برند، اما به دلیل ایمان به خالق و مالک هستی و انطباق اهداف خود با نظام احسن خلقت، سرانجام در راه نور و سعادت قرار خواهند گرفت (بقره/ ۲۵۶-۲۵۷).

قرآن کریم، ایمان به غیب و همه پیامبران الهی را از صفات متقین می‌داند و آن دو را از شرایط هدایت‌گری اش قلمداد می‌کند (بقره/ ۴-۲). ایمان به غیب باعث می‌شود افراد در مواردی که حکمت یا علت برخی از امتحانات یا قوانین الهی را متوجه نشوند، از دستورات خداوند سرپیچی نکنند. خداوند متعال در عین حال که می‌فرماید: «بعضی از رسولان را بر بعضی دیگر برتری دادیم» (بقره/ ۲۵۳)، به وحدت پیامبران (بقره/ ۲۸۵؛ احزاب/ ۷) و وحدت کتاب‌های آسمانی (توبه/ ۱۱۱؛ شعراء/ ۱۹۶) و پیام وحیانی واحد

(نساء/ ۱۶۳) تأکید می‌کند.

هرچند از نظر قرآن کریم، مسیحیت و یهودیت تحریف شده‌اند، پیروان ادیان الهی مکلف‌اند که به همه پیامبران ایمان بیاورند (بقره/ ۴) و پیام وحیانی انبیا واحد می‌باشد (نساء/ ۱۶۳) و تمسخر اعتقادات سایر ادیان الهی نکوهیده است و پذیرفتن همه پیامبران موجب جدایی از حق و شقاق است (بقره/ ۱۳۷؛ گواهی، ۱۳۸۷: ۱۳۶).

۲. مکانیزم اعتقاد به الهی بودن ماهیت انسان

شناخت «راز هستی و حقیقت انسان» مبنای همه اندیشه‌ها، تأمل‌ها و تلاش‌های علمی و عملی اندیشمندان در طول تاریخ بوده است. رشته‌های علوم انسانی به مرور انسان‌شناسانه‌تر می‌شوند (نوبر، ۱۳۸۶: ۳۰). دعوت به شناخت این موجود پنهان و پیچیده، از اصلی‌ترین آموزه‌های بسیاری از ادیان و مکاتب فلسفی و عرفانی است. جرم‌شناسی نیز مانند سایر علوم انسانی از دیدگاه مورد نیاز خویش، البته به میزانی محدود، وجود انسان را بررسی کرده است. راب وایت و فیونا هینز در کتاب جرم و جرم‌شناسی اشاره می‌کنند که برخی جرم‌شناسان مجرم را ذاتاً «شیطان‌صفت» می‌دانند (۱۳۸۶: ۲۱۸-۲۱۶). برخی معتقدند که اساس آزمایش‌های علمی درباره انسان صحیح نیست و نتیجه آزمایش‌های علمی درباره او غالباً اختلاف‌های فاحشی دارد (کارل، ۱۳۸۷: ۵-۱). در کتاب *انسان‌شناسی دینی* آمده است که برخی نویسندگان مانند جان لاک^۱ منکر هر گونه فطرتی برای انسان هستند و ضمیر انسان را در بدو تولد، مانند لوح سفید و نانوشته می‌دانند که آنچه بر آن نقش می‌بندد، حاصل کوشش‌های جامعه و محیط است (دوال مالفییت و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۴۲).

از دیدگاه قرآن، انسان دارای قدرت اراده و بیان (رحمن/ ۳-۴)، استعداد تعلم (بقره/ ۳۱ و ۳۳)، دریافت وحی (انعام/ ۹۱)، قدرت عروج و تسخیر موجودات (ص/ ۱۸-۱۹) و نیز خلیفه و جانشین خداوند بر روی زمین است. او به همه «اسماء» علم و آگاهی دارد و مسجود همه ملائکه و فرشتگان است (بقره/ ۳۱). منظور از خلافت الهی، نمایندگی خدا

1. John Locke.

در زمین است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۲۱۱/۱) که بیانگر این نکته است که جانشین خدا باید حداقل زمینه تجلی صفات خالق خود را داشته باشد.

بر خلاف دیدگاه‌های مختلف جرم‌شناسی که انسان را موجودی می‌دانند که ذاتاً به هنجارمندی گرایش دارد و کج‌روی، خلاف فطرت اوست و در نتیجه باید به دنبال شناخت علل و عوامل انحراف و مقابله با آن‌ها بود و نیز بر خلاف نظریه‌هایی که انسان را ذاتاً متمایل به شر و کج‌روی معرفی می‌کنند و در نتیجه خود را فارغ از شناخت عوامل بزهکاری می‌دانند و کنترل رفتار را مهم‌ترین عامل بازداشتن انسان از انحراف و کج‌روی معرفی می‌کنند (خسروشاهی، ۱۳۸۲: ش ۳۰ و ۳۱/۲۳-۲۵)، قرآن کریم بیان می‌دارد که در عین الهی بودن ذات انسان، وی به رذایل اخلاقی و ضد ارزش‌هایی تمایل دارد (یوسف / ۵۳؛ نساء / ۲۷)؛ مانند افساد (بقره / ۳۰)، بخل (نساء / ۱۲۸)، بی‌تابی در هنگام گرفتاری (معاذ / ۲۰)، حرص و آز (فصلت / ۴۹)، حسادت (فلق / ۱-۵) و... که همگی در خودخواهی بیش از حد او ریشه دارد (فرهادیان، ۱۳۸۵: ۴۲۰-۴۲۴). در صورت عدم تربیت، انسان می‌تواند هویت انسانی خود را از دست داده و در حد پست‌ترین حیوانات بلکه فرومایه‌تر از آن‌ها نیز قرار گیرد (همان: ۴۲۰). با این همه، وی قابل کنترل و مهار (نازعات / ۴۰) می‌باشد و پدیده‌ای غیر جسمانی است (انعام / ۹۳؛ نوروزی، ۱۳۸۶: ۴۴-۵۰) که شایستگی عروج به والاترین مرتبه را داراست (همان: ۳۴).^۱ تمایل به خیر و شر در انسان وجود دارد و او با اختیارش به دنبال یکی از این دو حرکت می‌کند (شمس / ۸). در نتیجه، هم هم‌نوایی با هنجارها و هم دلایل انحرافات وی در چارچوب انسان‌شناسی باید بررسی شود. واقعیت آن است که جرم‌شناسی پیشگیری باید با عبور از مراحل غیر علمی و عملی، با شناخت جامع انسان و دین، درباره همسویی علت‌شناسی دینی با (متافیزیکی) و علمی (فیزیکی) تحقیقات لازم را انجام دهد و تحقیقات تلفیقی نوینی با

۱. گاهی قرآن از نفس اماره سخن می‌گوید که آدمی را به سوی بدی‌ها امر می‌کند (یوسف / ۵۳) و گاه نیز سخن از نفس لوامه و سرزنشگر است که به عنوان وجدان پاک عمل می‌کند و بر رفتار ناهنجار یا عمل نکردن به هنجار و ارزشی، وی را سرزنش می‌کند (قیامت / ۲). زمانی نیز سخن از نفسی است که به تسویل (زیبا جلوه دادن) می‌پردازد و بدی‌ها و زشتی‌ها را امری نیک و پسندیده جلوه می‌دهد (یوسف / ۱۸ و ۸۳؛ طه / ۹۶) و گاهی نیز از نفس وسوسه‌گری سخن می‌گوید که همواره وی را به سوی بدی‌ها و زشتی‌ها دعوت می‌کند (ق / ۱۶) در پایان، نفسی هم به آرامش و اطمینان می‌رسد (فجر / ۲۷).

روش‌های دینی و علمی به ویژه در زمینه بررسی نقش بزهکار در وقوع جرم شکل بگیرد (علیزاده، ۱۳۸۲: ۶۸-۷۵).

۱-۲. اعتقاد به رسالت الهی و مسئولیت خطیر انسان

یکی از عوامل تأثیرگذار بر رفتار انسان، احساس مسئولیت و پاسخ‌گویی در مقابل رفتار خویش می‌باشد. از دیدگاه قرآن کریم انسان رسالت بزرگی را به دوش می‌کشد. رسالت به عهده گرفتن امانت بزرگی که آسمان‌ها، زمین و کوه‌ها از پذیرفتن آن سر باز زدند: ﴿إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا﴾ (احزاب / ۷۲).

مفسران در تفسیر «امانت» در این آیه نظرات مختلفی دارند؛ مثلاً برخی گفته‌اند که منظور تکلیفی است که اطاعت و مخالفتش موجب ورود بنده به بهشت یا جهنم می‌شود و منظور از عرضه تکلیف بر آسمان‌ها و زمین و جبال، سنجش آن با استعداد آنهاست و مراد از امتناع آسمان‌ها و زمین و جبال از حمل تکلیف، استعداد نداشتن برای پذیرش آن می‌باشد (آلوسی، ۱۴۱۵: ۶۸/۲۲). برخی دیگر گفته‌اند: مراد از امانت، عقلی است که ملاک تکلیف، مناط ثواب و عقاب است (<http://kalamvaaghaed.blogfa.com/post/21>).

در نظری دیگر «مراد از آن معرفت خدا، و لوازم آن است» (طبرسی، ۱۳۶۰: ۳۷۳/۸). برخی نیز بر آن‌اند که انسان نه تنها تلاش می‌کند که از مسیر حقیقت منحرف نشود بلکه حتی اوقات خود را نیز به پوچی نمی‌گذراند و در نهایت دقت سعی می‌کند که همواره به اعمال نیک مشغول باشد به طوری که برای ارتکاب جرایم خطایی، مجالی باقی نماند (نوروزی، ۱۳۸۶: ۲۷).

خداوند متعال در درجه اول انسان را متوجه اعمال خود می‌کند (مائده / ۱۰۵)، سپس او را در برابر اعضای خانواده و اجتماع مسئول می‌خواند: ای کسانی که ایمان آورده‌اید خود و خانواده خود را از آتشی که هیزم آن مردم و سنگ‌ها هستند، نگه دارید (تحریم / ۶).

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز می‌فرماید:

همه شما مراقب و نگهبان یکدیگر و در برابر مردم خود، مسئول می‌باشید (وزام بن ابی‌فراس، ۱۳۶۸: ۶/۱).

لازمه چنین نگرشی، دقت در مسئولیت‌ها و کنترل جمعی رفتارهای اجتماعی و همچنین اهتمام به برطرف کردن کاستی‌های خانواده و جامعه از سوی افراد است که این خود باعث همدلی بیشتر و برطرف کردن زمینه‌های فساد در جامعه می‌گردد.

۱-۲. توصیه به رفتار برتر و دوری از لغو

تقوا سه مرتبه دارد: ۱. تقوای عام به معنای پرهیز از محرمات؛ ۲. تقوای خاص به معنای اجتناب از مشتهات؛ ۳. تقوای اخص به معنای دوری از تخیلات واهی و مباحات، در پرتو اشتغال به واجبات و مستحبات (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱۵۵).

قرآن کریم می‌فرماید:

- او کسی است که مرگ و حیات را آفرید تا شما را بیازماید که کدامتان بهترین عمل را دارید (ملک / ۲).

- به بندگانم بگو آنچه را که بهترین است بگویند. بی‌گمان شیطان میان آنان آشوب و دشمنی می‌افکند. همانا شیطان برای انسان دشمنی آشکار است. (اسراء / ۵۳).

نکته ظریف و مهم در این آیات آن است که خداوند متعال نفرموده گفتار و رفتار شما باید خوب باشد بلکه با قید صفت تفضیلی «بهترین»، به نوعی زمینه‌فسادانگیزی شیطان و انحراف را متذکر می‌شود و مرتبه‌ای والا را پیش روی انسان قرار می‌دهد و می‌فرماید که انسان باید همواره به فکر گزینش بین بهترین افکار، گفتار و رفتار باشد و با معنابخشی به رفتار خود از پرداختن به امور بیهوده پرهیزد.^۱

خداوند در این آیات می‌فرماید که اساساً مؤمن باید با دوری از غفلت، در هر لحظه نهایت تقوا و دقت را داشته باشد و تلاش کند که بین سخنان و رفتار خوب، بهترین آن‌ها را با عنایت به معیارهای الهی انتخاب کند و تفکرات و گزینش‌های او بر مدار بهترین‌ها باشد. در نتیجه مجالی برای اندیشه مجرمانه باقی نمی‌ماند که بخواهد انتخاب شود (گواهی، ۱۳۸۷: ۱۳۴).

۱. «الَّذِينَ هُمْ عَنْ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ» (مؤمنون / ۳).

یکی دیگر از عوامل انحراف انسان، پرداختن به مسائل لغو و بیهوده و مشغول کردن ذهن به رفتار مجرمانه است که اگر انسان از آن‌ها دوری نکند سرانجام موجب تحریک وی به سوی انحراف می‌شود و شخص مرتکب عمل مجرمانه می‌گردد. از این رو، قرآن کریم و روایات، از فکر کردن به گناه نیز نهی کرده‌اند؛ زیرا فکر گناه، به خود گناه منجر می‌شود، چنان که قرآن کریم حتی اجازه سوءظن را نیز به مؤمن نمی‌دهد و از گمان بد درباره دیگران نهی می‌کند (محبی، ۱۳۸۶: ۱۶۱). در روایتی، امام صادق علیه السلام می‌فرماید که حضرت عیسی علیه السلام به حواریون فرمود:

حضرت موسی علیه السلام به شما دستور داد که زنا نکنید، ولی من به شما دستور می‌دهم که نه تنها زنا نکنید، بلکه حتی فکر آن را به ذهن خود راه ندهید (حز عاملی، ۱۳۸۷: ۱۴/۲۴۰).

قرآن کریم نیز نمی‌فرماید که زنا نکنید، بلکه برای پیشگیری از زنا با رعایت عفت و حجاب و... می‌فرماید که حتی نزدیک زنا نشوید: ﴿وَلَا تَقْرُبُوا الزَّوَانَ﴾ (اسراء/ ۳۲).

۲-۱-۲. سفارش به اتحاد و تعاون در جامعه اسلامی

پیشگیری از وقوع جرم در واقع عبارت دیگری از «تلاش برای هنجارمندسازی افراد جامعه» است. امروزه پیشگیری و سرکوب به همه افراد جامعه مربوط می‌شوند و استفاده از قدرت رسانه‌ها، انجمن‌ها و شهروندان در چارچوب یک سیاست جنایی ضروری است (لازرز، ۱۳۸۲: ۱۳۹-۱۴۰). همه جوامع نیازهایی دارند و با انواع مشکلات درگیر می‌باشند. اگر در این شرایط اعضای جامعه با یکدیگر همکاری نکنند و احساس مسئولیت نداشته باشند، زمینه بروز بحران‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی فراهم شده و این مسئله بستر مناسبی برای وقوع جرایم خواهد بود (غفاری، ۱۳۸۷: ۷۶-۸۱). به تعبیر کتله ریاضی دان بلژیکی، اجتماع مسئول کلیه جرایمی است که رخ می‌دهد و بزهدکار، جز وسیله اجرا در دست اجتماع چیز دیگری نیست و زمانی که اجتماع آلوده باشد عجیب خواهد بود اگر افراد دچار انحراف و اعمال بزهدکارانه نشوند (مساواتی آذر، ۱۳۸۴: ۲۳) و به تعبیر لاکاسانی^۱:

هر جامعه شایسته بزهدکارانی است که خود پرورش داده است (سلاحی، ۱۳۸۷: ۱۴۳).

1. Lakasany.

قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

﴿تَعَاوَنًا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى﴾ (مانده / ۲): یکدیگر را به نیکوکاری و پرهیزگاری یاری دهید.

از ظرفیت مناسب روحیهٔ ایثار و تعاون اجتماعی در جامعه‌ای با معیارهای الهی به ویژه می‌توان در سیاست جنایی مشارکتی سازمان‌یافته - که نمونهٔ بارز آن امر به معروف و نهی از منکر است - استفاده نمود که هزینه‌های بسیار کمی را برای کارگزاران دستگاه عدالت کیفری برای پیشگیری اولیه از انحرافات خواهد داشت. مشارکت جامعهٔ مدنی در الگوهای دولتی، هم‌اکنون در سیاست جنایی اغلب کشورهای جهان اهمیت یافته است و معنادار می‌شود (دلماش - مارتی، ۱۳۸۷: ۳۷).

اگر بروز انحراف در جامعهٔ اسلامی با بی‌مسئولیتی افراد آن به ویژه مسئولان روبه‌رو شود، حیا و قبح اعمال مجرمانه از میان می‌رود و جرایم رشد چشم‌گیری می‌یابند. آنگاه جامعه باید با عقب‌نشینی از ارزش‌ها به منظور پیشگیری از جرایم، خود را با خواست عمومی تطبیق دهد و به جای پیشگیری از جرم، با پاک کردن صورت مسئله، اعمال ناپسندی را جرم‌زدایی نماید که در همهٔ ادیان الهی با کیفرهای شدید مواجه بوده‌اند. گزارش شورای اروپا دربارهٔ جرم می‌گوید

به سیاست جانشینی متغیرهای پزشکی - اجتماعی در برابر واکنش کیفری علیه پدیدهٔ مجرمانه اولویت داده می‌شود و اینها به عنوان «جانشین‌های ممکن اقدام کیفری» به‌ویژه در مواردی همچون «بعضی اعمال مجرمانهٔ واجد جنبهٔ جنسی مانند کودک‌دوستی، زنا با محارم و عورت‌نمایی یا بعضی رفتارها همچون نوزادکشی، کودک‌آزاری، مستی شدید و اعتیاد به الکل» استفاده شود (همان).

ولی جالب آنکه با این راهکار باز هم نوع جرایم تغییر می‌یابند و با این اقدامات تنها جامعه از حقایق و ارزش‌های واقعی و در نتیجه رشد و سعادت منحرف می‌شود و در معرض نوع دیگری از انحرافات قرار می‌گیرد.

اگر کارکرد و محیط اجتماع اصلاح شود، درجهٔ اشباع جنایی نیز به همان نسبت کاهش می‌یابد (حرّ عاملی، ۱۳۸۷: ۴۰۸/۷). به نقل از: حسینی، *مجلهٔ حقوقی دادگستری*، ۱۳۸۳: ۱۳۸۳: ۴۸). اگر افراد جامعه کارکرد خود را در تأمین امنیت نداشته باشند، سیاست جنایی به ناچار راه افراط را در سایر زمینه‌ها مانند پیشگیری وضعی خواهد پیمود. شنود مکالمات

شهروندان و نصب دوربین‌های مدار بسته، هر چند قانونی، تأثیرات منفی خود را در سلب آرامش و امنیت روانی شهروندان خواهد داشت؛ زیرا هدف مهم پیشگیری، تأمین امنیت می‌باشد.^۱ در واقع اجتناب از شمار بزرگی از ممنوعات فقط هنگامی ممکن است که نیازهای منطقی و مشروع مردم به صورت قانونی پیش‌بینی شود و در عمل فراهم گردد که مسئولیت این امر همزمان بر عهده حکومت و اعضای جامعه می‌باشد، وگرنه مجازات صرف نه معقول و نه قابل اجراست (همو، *سیاست جنایی اسلام*، ۱۳۸۳: ۲۱۷).

در اوامر و نواهی الهی، مقررات فراوانی وجود دارد که مردم را در برابر یکدیگر مسئول دانسته است تا اولاً از حال یکدیگر باخبر باشند و ثانیاً در رفع نیازهای یکدیگر بکوشند (عارفی، ۱۳۸۸: ۱۰۰). ترغیب به انفاق همراه با اعتدال، صلۀ ارحام، رفع نیازهای مؤمنان با احکام و مقرراتی مانند پرداختن عوارض و مالیات‌های مختلف (خمس و زکات)، موجب پاک شدن اموال و نیز تطهیر قلب‌ها از آلودگی‌ها و صفات ناپسند همچون بخل و دنیادوستی می‌گردد (توبه/ ۱۰۳) و آثار انکارناپذیری در از بین بردن زمینه‌های اقتصادی ارتکاب جرم و پیشگیری از جرایمی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به فقر، ثروت‌اندوزی و عدم توزیع صحیح ثروت مربوط می‌شوند، بر جای می‌گذارد (حسینی، *سیاست جنایی اسلام*، ۱۳۸۳: ۲۱۷).

از بین رفتن همبستگی بین فرد و جامعه درباره اهداف و آنچه که جامعه به عنوان الگوهای رفتار برای اعضای خود متصور است، موجب می‌شود که شیرازه هنجارهای اجتماعی از هم بگسلد و در نتیجه نفوذ نظارت‌کننده‌های جامعه بر گرایش‌های فردی، کارایی خود را از دست بدهد و افراد تقریباً به حال خود رها شوند (ستوده، ۱۳۷۹: ۲۲).

درجه پیوستگی افراد به جمعیت پیرامون، ارتباط ویژه‌ای با گرایش افراد به جنایت دارد، به گونه‌ای که جرم‌شناسان معتقدند که میزان گرایش به جنایت، نسبت معکوس با درجه پیوستگی افراد با جامعه دارد (بست، ۱۳۷۲: ۵۷). اصلاح میان مؤمنان (حجرات/ ۱۰) و برطرف کردن اختلافات و دو دستگی‌ها (ص/ ۲۲-۲۳)، دوری از غیبت و حفظ حریم

۱. شایان توجه است که در سیاست جنایی قرآن کریم، پیشگیری اولیه از جرم با رویکرد پیشگیری وضعی انکار نشده است؛ برای نمونه می‌توان به جریان تخریب مسجد ضرار اشاره کرد که برای ایجاد تفرقه و توطئه علیه مسلمانان ساخته شده بود (توبه/ ۱۰۷).

خصوصی افراد (حجرات/۱۲)، تساوی در حقوق (توبه/۱۱)، عفو و گذشت در حق یکدیگر (بقره/۱۷۸) بیانگر جایگاه ممتاز همبستگی دینی در محور ریشه اختلافات و انحراف است.

۲-۲. اعتقاد به جاودانگی انسان و برتری حیات اخروی

لازمه اعتقاد به معاد، پذیرفتن انسان به عنوان یک حقیقت فناپذیر، و دنیا به عنوان یک پدیده فناپذیر است. البته این بدان معنا نیست که انسان باید از آبادانی این دنیا دست بردارد (هود/۶۱). در فرهنگ اسلامی از مرگ به «سفر» تعبیر شده است. یاد مرگ و حوادث پس از آن بهترین مرهم برای نیازدگی است (رمضانی گیلانی، ۱۳۸۳: ۵۰۱) و قابلیت آن را دارد که از مهم‌ترین عوامل پیشگیری اولیه از جرم باشد. جک کاتز^۱ در نظریه «الگوی فریبندگی‌های جرم»، دو عامل مهم را در ارتکاب جرم مؤثرتر می‌داند: نخست، پیش‌زمینه‌های چیزهایی که در ابتدا دوست‌داشتنی به نظر می‌رسند. دوم اینکه فرد هنگام ارتکاب جرم، برای انجام چه کاری و رسیدن به چیزی تلاش می‌کند (سلیمی و داودی، ۱۳۸۷: ۴۳۳). قرآن کریم، به این دو مؤلفه اشاره می‌کند و بیان می‌دارد: «زندگانی دنیا چیزی جز کالای فریب نیست» (آل عمران/۱۸۵) و نیز «سرمایه زندگی دنیا ناچیز است» (نساء/۷۷) که این نگرش می‌تواند هر سه عامل انحراف یعنی حب مقام، حب دنیا و حب شهوت را در فرد خنثی کند.

۱-۲-۲. ارائه اهداف و الگوهای انسانی

هر فرهنگی دارای سه عنصر شناختی (اهداف، باورها و اسطوره‌ها)، مادی (ابزار و وسایل مادی) و قواعد سازمانی (آداب و رسوم و قوانین) است (کوئن، ۱۳۸۲: ۷۲). اسلام نیز با ملاحظه نیاز روحی انسان‌ها به الگوگیری، به ارائه الگوهای برتر الهی و انسانی می‌پردازد و پیامبران به ویژه حضرت ابراهیم علیه السلام و رسول اکرم صلی الله علیه و آله را برترین الگوهای بشری معرفی می‌کند (<<http://www.quran-p.com/index.php/page,articleView/articleID,452>>). قرآن کریم با اختصاص حدود یک چهارم از آیات کتاب وحیانی به اهداف کلان

1. Jack Katz.

و خُرد به ویژه در زمینه اخلاق^۱ و تبیین بایسته‌ها و ارزش‌ها، از طریق الگوهای خارجی به تربیت و رشد فضایل اخلاقی اهتمام ورزیده است. قرآن هنگامی که می‌خواهد اهداف کلی را به صورت عینی و تجسمی در برابر اهل ایمان آشکار سازد، شخصیت عملی هر یک از پیامبران را ترسیم می‌کند (احزاب / ۲۱؛ مریم / ۴۱؛ ص / ۴۱ و ۴۸).

دورکیم معتقد است که اهداف انسان‌ها از طریق هنجارها و ارزش‌های اجتماعی تنظیم و محدود شده است. با از بین رفتن هنجارها و اهداف، آرزوها و اهداف بی‌حد و حصر به وجود می‌آیند و از آنجا که نمی‌توانند ارضا شوند، ناهنجاری، نارضایتی دائمی و کژرفتاری پدید می‌آید (رفیع‌پور، ۱۳۸۶: ۸۵). اما مکتب الهی اسلام، تقوا را یگانه معیار ارزیابی انسان‌ها قرار داده است (حجرات / ۱۳). در نتیجه سایر اهداف نیز باید با این هدف نهایی تنظیم شوند.

۲-۲-۲. راهکار تشویق به پاداش و تهدید به مجازات اخروی (حتمیت و شدت در مجازات)

انسانی که به آخرت اعتقاد دارد و آن را منزلگاه ابدی خویش می‌داند و کاملاً آگاه است که از پاداش و عذاب الهی گریزی نیست، در سنجش سود و زیان اعمال خود فقط به محاسبه‌ها و مجازات‌های دنیایی توجه نمی‌کند و هرگز لذت‌ها و منافع زودگذر حاصل از ارتکاب جرم و گناه را به پیامدهای سخت و جانکاه آخرتی آن ترجیح نمی‌دهد. قرآن کریم از تهدید به مجازات دنیوی و اخروی به عنوان زمینه‌ساز صفت تقوا یاد نموده است (زمر / ۱۶). تأثیر کیفرهای دنیوی مانند جریمه نقدی، برای هر گروه از مجرمان امری نسبی است. آنچه جرم‌شناسان غربی نیز به آن رسیده‌اند اینکه «جرم و ترس از جرم اهمیت زیادی برای افراد ذی‌نفع در برنامه‌ریزی پیشگیرانه دارد» و این امر، غالباً با افزایش احتمال دستگیری مجرم تأمین می‌شود.

ممکن است افراد با نگرش صحیح یا غلط به مؤلفه‌هایی مانند سنجش احتمال

۱. حدود ۱۷۰۰ آیه قرآن کریم مربوط به موضوعات اخلاقی، ۵۰۰ آیه راجع به آیات الاحکام و ۴۰۰ آیه مربوط به مسائل اعتقادی می‌باشد که با عنایت به افزایش و پیچیدگی روابط اجتماعی و رشد ناهنجاری‌های اخلاقی، توجه ویژه همگان جهت اصلاح بنیادین مسائل اخلاقی در جامعه ضروری به نظر می‌رسد (<<http://1quran.blogfa.com/1390/11>>).

دستگیری، تعریف دلخواه جرم به نفع حکومت، فرار مجرمان یقه‌سفید و تحریف عدالت به ضرر مجرمان جزئی، از مجازات‌ها ترسند و در ارتکاب جرم گستاخ‌تر شوند، ولی در مورد مجازات‌های اخروی وضع کاملاً متفاوت است و مهم ایجاد باور به این واقعیت در افراد است. همه ادیان الهی بر مجازات اخروی تأکید کرده‌اند و قرآن کریم نیز از لحاظ روان‌شناسی، جامعه را به این نوع ترس توجه می‌دهد (هود/۱۰۳). در این راستا، خداوند متعال ضمن بیم عذاب دنیوی و اخروی، از راهکار امید برای تشویق استفاده می‌نماید (انعام/۴۸؛ بقره/۱۱۹). امروزه برخی جرم‌شناسان نیز پی برده‌اند که برای کنترل رفتار، راهکار تشویق نیز می‌تواند اهرمی کارآمد به حساب آید. بر اساس نظریه «فرصت‌های افتراقی»، «در دسترس بودن فرصت‌های نامشروع یا کج‌روانه» و «غوطه‌ور بودن در فراوانی فرصت‌های مناسب برای ارتکاب جرم»، منجر به وقوع جرم می‌شود مانند سیاستمداری که برای ارائه نظر رشوه می‌گیرد و هیچ عامل بازدارنده یا مجازاتی احساس نمی‌کند (گیدنز، ۱۳۷۸: ۳۳۷-۳۴۰) و تنها عامل بازدارنده می‌تواند امید وی به جبران این خویش‌داری باشد. بنابراین در کنار ترساندن از مجازات دنیوی و اخروی، یکی از مهم‌ترین عوامل بازدارنده، نهادینه کردن چنین اندیشه‌ای در بین افراد است.

۳. راهکار اعتقاد به شعور عالم خلقت و حکیمانه بودن حوادث زندگی

از منظر قرآن کریم، جهان و موجودات آن به سوی خداوند در حرکت هستند (مائده/۱۸) و همه مخلوقات مظهر مرتبه‌ای از جمال و جلال اویند و همه ذرات عالم تسبیح او می‌گویند (غیائی کرمانی، ۱۳۸۶: ۶۸۶). در قرآن کریم عرضه شدن بار امانت به آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها و پذیرفتن آن‌ها، سرد شدن آتش بر حضرت ابراهیم علیه السلام (انبیاء/۶۹)^۲، هم‌صدا شدن کوه‌ها و پرندگان با حضرت داود علیه السلام در تسبیح خداوند (انبیاء/۷۹) و... همگی بر فهم و شعور پرندگان و جمادات در راستای اجرای فرامین الهی و تسبیح خداوند دلالت می‌کنند (رمضانی گیلانی، ۱۳۸۳: ۳۶). از این رو، تصرف در عالم طبیعت و بهره‌برداری از آن، حقی خدادادی است و تمام مالیت‌ها در مورد غیر خدا اعتباری

۱. «إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا».
 ۲. «فَلَمَّا بَايَنَّاكَ وَرَوَى بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ».

است. بنابراین، عالم طبیعت تجلیگاه خداوند متعال است که انسان در جای جای آن حضور الهی را دریافت می‌کند: ﴿وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيُّمَا تَلَّوْا فِئْمَ وَجْهِ اللَّهِ﴾ (بقره/ ۱۱۵). یکی از دلایل احتمالی انحراف انسان، تغافل از این مهم است که حوادث زندگی خودبه‌خود اتفاق نمی‌افتند^۱ و هیچ ذره‌ای حتی جتّیان بدون اذن الهی - در راستای سنت امتحان و حکمت الهی- به انسان ضرری نمی‌رسانند (تغابن/ ۱۱) و نباید به خاطر آنچه از دست رفته است، اندوهگین شد (حدید/ ۲۳) و به هر قیمتی در صدد جبران آن برآمد. انسان نباید از سیر عالم هستی به سوی خداوند متعال غافل شود (زیلیک و اسمیت، ۱۳۷۶: ۱۰۲/۱) و با اشتغال به امور بیهوده و ارتکاب اعمال ناشایست، ارزش وجودی خود را فراموش کند.

۱-۳. توجه دادن به سنت ابتلا و کلیه زمین‌های وقوع جرم در عالم خلقت

بر خلاف رویکردهای سطحی و غیر جامع نظریه‌های جرم‌شناسی که به صورت تک‌بعدی به پیشگیری وضعی، اجتماعی و... تأکید می‌کنند، قرآن کریم هرچند منکر زمینه‌های جرم‌زا و مبارزه فردی و اجتماعی^۲ با آن نیست و ضمن توصیه به پیشگیری وضعی -مانند تخریب مسجد ضرار- به بزه‌دیده دستور می‌دهد که احتیاط لازم را انجام داده و خود را در معرض هلاکت قرار ندهد (بقره/ ۱۹۵)^۳، ولی با نگرشی عمیق‌تر از این دیدگاه‌های سطحی بیان می‌دارد که ما آنچه را که بر روی زمین است زینت آن قرار دادیم تا آن‌ها را بیازماییم که کدام یک نیکوکارترند (کهف/ ۷) و همه موارد را در نهایت زمینه امتحان انسان می‌داند و در کنار بیان سنت ابتلا، در بُعد پیشگیری از جرم، تعادل را رعایت می‌کند و مبنای اصلی مسئولیت را بر اراده تربیت‌یافته انسان قرار می‌دهد. به رغم تلاش‌های جرم‌شناسان، شاید یکی از دلایل مهم افزایش روزافزون جرایم (اشنایدر و کیچن، ۱۳۸۷: ۷۹)، غفلت از نگرش همه‌جانبه به مسئله جرم باشد. البته برخی از جرم‌شناسان نیز بر این واقعیت تأکید کرده‌اند. به تعبیر گاروفالو، این موقعیت نیست که دزد بار می‌آورد، موقعیت تنها پرده از راز برمی‌دارد و نشان می‌دهد که دزد کیست. آزمایش‌های الهی در شکوفا کردن استعدادهاى نهفته و در نتیجه پرورش بندگان ریشه دارد (آل عمران/ ۱۵۲).

۱. این نگرش می‌تواند عامل معناداری در پیشگیری از جرایم به ویژه در جرایم علیه اموال و محیط زیست باشد.

۲. مانند امر به معروف و نهی از منکر.

۳. ﴿وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾.

بنابراین نسبت به هر موضوعی ممکن است انسان مورد ابتلا قرار بگیرد، همچنان که خداوند سپاه طالوت را به جوی آبی می‌آزماید (بقره/ ۲۴۹؛ فرهادیان، ۱۳۸۵: ۳۲۳).

قرآن کریم می‌فرماید:

آیا مردم گمان کردند همین اندازه که اظهار ایمان کنند به حال خود رها می‌شوند و آزمایش نخواهند شد؟ (عنکبوت/ ۲).

قرآن کریم در فرازی دیگر گوناگونی آزمایش را چنین بیان می‌فرماید:

قطعاً همه شما را با اموری همچون ترس، گرسنگی، زیان مالی و جانی و کمبود میوه‌ها آزمایش می‌کنیم و بشارت بده به استقامت‌کنندگان (بقره/ ۱۵۵).

بنابراین سنت آزمایش الهی نسبت به بندگانش یکسان نیست، همچنان که خداوند متعال به حضرت ابراهیم دستور می‌دهد تا فرزندش را قربانی کند (مسلمی‌زاده، ۱۳۱۷: ۹). در نتیجه بر خلاف جرم‌شناسی که هدف نهایی آن پیشگیری از جرم و تأمین امنیت جامعه بدون عنایت لازم به قربانی شدن اخلاق و ارزش‌های انسان‌ساز است، نیل کریستی از بنیان‌گذاران عدالت ترمیمی می‌گوید:

هم‌اکنون نتیجه تأسف‌باری از جرم‌شناسی عاید شده است... جرم علیه شرافت دیگران، توهین و تهمت، کاهش چشمگیری در کشورهای اسکاندیناوی داشته است ولی این نه به معنای احترام به شرافت و در نتیجه موفقیت جرم‌شناسی است، بلکه به این معناست که از شرافت اندکی باقی مانده است تا قابل احترام باشد (۱۳۸۶: ۸).

۳-۲. توصیه به تعقل، مشورت و اعتدال در زندگی

اگر در ارتکاب اعمال مجرمانه قائل به اختیار انسان باشیم، لازمه اختیار گزینش می‌باشد و تا زمانی که انسان از گزینه‌های پیش رو آگاه نباشد، گزینش صحیح ممکن نیست و با توجه به تمایلات انسانی، ممکن است که وی منحرف شود. در کنار تعقل، مشورت کردن یکی از شیوه‌های پسندیده قرآنی است (آل عمران/ ۱۵۹)^۱ که موجب می‌شود انسان از اندیشه دیگران استفاده نماید و از تصمیم‌گیری و قضاوت‌های عجولانه و انحرافات ناشی از ناآگاهی بر حذر باشد. در مواردی نیز به رغم آگاهی از

۱. «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ».

آسیب‌های یک چیز مانند استعمال دخانیات و مواد مخدر، به دلیل پیروی از هوی و هوس ممکن است که انسان به بیراهه رود (نوروزی، ۱۳۸۶: ۹۷). قرآن کریم نتیجه نهایی عدم تعقل را انحراف و گرویدن به اهل دوزخ بیان می‌کند: ﴿وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ﴾ (ملک/ ۱۰). شایان ذکر است که هر دانشی موجب فرونشاندن جرم و انحراف نمی‌شود، بلکه فراگیری دانش مدّ نظر قرآن است که موجب صلاح و فلاح و رشد جنبه‌های انسانی افراد می‌شود. خداوند متعال می‌فرماید: «تقوای الهی را پیشه کنید و خداوند به شما تعلیم می‌دهد» (بقره/ ۲۸۲). پس علم به آنچه امروزه در معیار ابزار علوم تجربی مطرح می‌شود، محدود نیست (فاطر/ ۲۸).^۱

قرآن همه انگیزه‌ها را می‌پذیرد. سپس با بیان آموزه‌ها و دستورهایی می‌خواهد که انسان با به کارگیری آن‌ها توازن و تعادل شخصیتی را در خود ایجاد نماید. قرآن از بشر می‌خواهد که به تعادل در انگیزه‌ها اهتمام بورزد، نه آنکه آن‌ها را سرکوب یا انکار نماید؛ زیرا سرکوب انگیزه در واقع ایجاد بحران در تعادل شخصیتی، بیرون راندن آن به سوی ضمیر ناخودآگاه، فراهم کردن زمینه‌های بروز بیماری‌های روانی و در نتیجه بروز ناملایمات و انحرافات است

در بُعد تلاش برای امرار معاش نیز توصیه می‌کند که انسان دچار حبّ دنیا نشود و در عین حال با بیکاری و سستی، از آبادانی زندگی خویش غافل نباشد (نجم/ ۳۹)^۲؛ چراکه بیشترین نرخ بیکاری، بالاترین نرخ ارتکاب جرم را نیز در پی دارد. در روایتی امام علی علیه السلام می‌فرماید:

بیکار، دنبال کار زشت می‌رود و دست وی به سوی گناه دراز شود (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۸۶: ۳۰۳/۲۰).

نتیجه‌گیری

موضوع جرم‌شناسی، شناخت و بررسی فرایند ارتکاب عمل مجرمانه است که شخص بزهکار به عنوان فاعل جرم، نقش اساسی را در این میان ایفا می‌کند و همه عوامل و

۱. ﴿وَمِنَ النَّاسِ وَالْذَوَابِّ وَالْأَنْعَامِ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ كَذَلِكَ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ﴾.

۲. ﴿وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى﴾.

زمینه‌های جرم بر محور اراده تربیت یافته‌ او شکل می‌گیرد. هدف نهایی از تشکیل و گسترش جرم‌شناسی، کنترل و پیشگیری از جرم می‌باشد. به نظر استاد مطهری، ناکامی و گمراهی انسان در صحنه زندگی از نگاه قرآن علاوه بر اشتباه در برنامه‌ریزی، قانون‌گذاری و نظام رفتاری، به تفسیر و تلقی غیر واقع‌بینانه او از هستی نیز برمی‌گردد و به همین دلیل در این کتاب مقدس، آموزش حکمت و حقایق هستی در کنار تلاوت آیات الهی، تزکیه و تعلیم وحی، به عنوان عامل مؤثر در جهت رهایی انسان از گمراهی مطرح است (سجادی، ۱۳۸۷: ش ۱۷ و ۱۸).

بر اساس آموزه‌های قرآن کریم، معنابخشی به زندگی و پیشگیری اولیه از جرم و گمراهی، اصلی‌ترین سیاست جنایی قرآن کریم است. هدف نهایی این سیاست جنایی، تعلیم و تربیت انسان‌هایی است که در وهله اول در جهت رشد خود با اراده تربیت یافته بتوانند از ارتکاب جرم پرهیز کنند. بنابراین رشد مقطعی برخی جرایم و وجود برخی موقعیت‌های جرم‌زا جای نگرانی عمیق ندارد و مهم‌تر، ساختارهای فردی و اجتماعی حل و فصل انحرافات است و در صورت کارکرد صحیح سایر مؤلفه‌های فرهنگی - اجتماعی، کارکرد مثبت جرایم موجب پویایی، رشد و ارتقای سطح فهم و آگاهی افراد جامعه است. این اقدامات پیشگیرانه، مجموعه‌ای از معانی سازنده تربیتی، آموزشی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی را در بر می‌گیرد.

از سوی دیگر، مؤلفه‌های انسان‌شناسی و هستی‌شناسی قرآن با رویکردی عمیق‌تر و گسترده‌تر از یافته‌های جرم‌شناسی، با تأکید بر اصل انتخاب و آزادی اراده انسان، اصولاً اغلب عوامل ارتکاب جرم مذکور در جرم‌شناسی را زمینه‌ساز امتحان و ابتلای انسان معرفی می‌نماید و محور مهم پیشگیری را خودکنترلی و تقوا می‌داند و به بزهکار هشدار می‌دهد که بزه‌دیده واقعی خود او می‌باشد و نتیجه اعمال مجرمانه تا زمانی که توبه نکرده است، در وهله اول به خود او برمی‌گردد و اگر در این دنیا مجازات نشود قطعاً در روز قیامت باید پاسخ‌گوی کوچک‌ترین اعمال بزهکارانه خود باشد. بنابراین، بر اساس آموزه‌های قرآن کریم، زمینه‌های ابتلا و خطر در نظام تکوینی خلقت - بر پایه افعال انسان و اراده الهی - همیشه وجود دارد و اقدامات پیشگیرانه جامعه باید با اعتدال و هماهنگی با سایر اهداف و آموزه‌های قرآن کریم و با هدف رشد انسان‌ها باشد.

کتاب‌شناسی

۱. آلوسی، سید محمود، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
۲. ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبه‌الله، *شرح نهج البلاغه*، بیروت، دار احیاء الکتب العربیه، ۱۳۸۶ ق.
۳. اشنايدر، ریچارد و تد کیچن، *برنامه‌ریزی شهری برای پیشگیری از جرم*، ترجمه فرزان سجودی، تهران، سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا، ۱۳۸۷ ش.
۴. بست، ژان میشل، *جامعه‌شناسی جنایت*، ترجمه فریدون وحید، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲ ش.
۵. بهشتی، ابوالفضل، *هشدارهای قرآنی*، قم، نسیم بهشت، ۱۳۸۸ ش.
۶. پارسانیا، حمید، «تحمل اجتماعی و پلورالیسم دینی»، *فصلنامه کتاب نقد*، سال ششم، شماره ۲۳، ۱۳۸۱ ش.
۷. پناهی، علی‌احمد، «نقش التزام به آموزه‌های دینی در تربیت و استحکام خانواده»، *معرفت/اخلاقی*، شماره ۲، ۱۳۸۹ ش.
۸. جوادی آملی، عبدالله، *تسنیم (تفسیر قرآن کریم)*، تنظیم و ویرایش علی اسلامی، قم، اسراء، ۱۳۷۸ ش.
۹. حرّ عاملی، محمد بن حسن، *تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، قم، آل‌البیت، ۱۳۸۷ ق.
۱۰. حسینی، سید ابوالقاسم، *روان‌شناسی اسلامی*، چاپ دوم، مشهد، دانشگاه مشهد، ۱۳۸۰ ش.
۱۱. حسینی، سید محمد، «جایگاه پیشگیری در حقوق کنونی ایران» (میزگرد پیشگیری از جرم)، *مجله حقوقی دادگستری*، شماره ۴۸، ۱۳۸۳ ش.
۱۲. حسینی، سید محمد، *سیاست جنایی اسلام و جمهوری اسلامی ایران*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ ش.
۱۳. حسینی خامنه‌ای، سید علی، *طرح کلی اندیشه اسلامی*، چاپ بیست و یکم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶ ش.
۱۴. خسروشاهی، قدرت‌الله، «پیشگیری از جرم در آموزه‌های قرآن»، *نشریه بصیرت*، سال دهم، شماره‌های ۳۰ و ۳۱، ۱۳۸۲ ش.
۱۵. دستغیب، سید عبدالحسین، *معارفی از قرآن*، چاپ دهم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۶ ش.
۱۶. دلماس - مارتی، می‌ری، *نظام‌های بزرگ سیاست جنایی*، ترجمه علی‌حسین نجفی ابرنآبادی، تهران، میزان، ۱۳۸۷ ش.
۱۷. دوال مالقیبت، آنماری و استفن د. گلنیزیر و مایکل لمبک، *دریاره انسان‌شناسی دین*، ترجمه ابراهیم موسی‌پور، تهران، جوانه توس، ۱۳۸۶ ش.
۱۸. رفیع‌پور، فرامرز، *آنومی یا آشفتگی اجتماعی*، تهران، سروش، ۱۳۸۶ ش.
۱۹. رضوانی گیلاتی، *درآمدی بر کلیات گناه‌شناسی*، قم، نینوا، ۱۳۸۳ ش.
۲۰. زیلیک و اسمیت، *نجوم و اختر فیزیک مقدماتی*، ترجمه جمشید قنبری و تقی عدالتی، چاپ هفتم، مشهد، دانشگاه امام رضا (ع)، ۱۳۷۶ ش.
۲۱. ستوده، هدایت‌الله، *آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحراف)*، چاپ پنجم، تهران، آوای نور، ۱۳۷۹ ش.
۲۲. سجادی، سید ابراهیم، «شهید مطهری و دیدگاه‌های تربیتی قرآن»، *پژوهش‌های قرآنی*، شماره‌های ۱۷ و ۱۸، ۱۳۸۷ ش.
۲۳. سلاجی، جعفر، *اساس و مبانی جرم‌شناسی*، تهران، جاودانه، ۱۳۸۷ ش.
۲۴. سلیمی، علی و محمد داودی، *جامعه‌شناسی کجروی*، چاپ چهارم، قم، زیتون، ۱۳۸۷ ش.

۲۵. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه گروه مترجمان، تهران، فراهانی، ۱۳۶۰ ش.
۲۶. عارف، علی اکبر، پندارها و گفتارهای غلط از دیدگاه قرآن، چاپ سوم، قم، برگزیده، ۱۳۸۷ ش.
۲۷. عارفی، داود، دستورات الهی، قم، سبب النبی، ۱۳۸۸ ش.
۲۸. عباس نژاد، محسن، قرآن، روان‌شناسی و علوم تربیتی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۵ ش.
۲۹. علمی، قربان و مهدی حسن‌زاده، «منشأ دین از دیدگاه پیتر ال. برگر»، مقالات و بررسی‌ها، شماره ۸۳، ۱۳۸۶ ش.
۳۰. علیزاده، مهدی، نقش اسلام در پیشگیری و کاهش بزهکاری، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۲ ش.
۳۱. غفاری، حسین، ویژگی‌های جامعه قرآنی، قم، دفتر انتشارات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۷ ش.
۳۲. غیائی کرمانی، سیدمحمدرضا، پژوهش‌های قرآنی علامه شعرانی، چاپ دوم، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۶ ش.
۳۳. فرهادیان، رضا، مبادی تعلیم و تربیت در قرآن و احادیث، چاپ دوم، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۵ ش.
۳۴. کارل، الکسیس، انسان موجودی ناشناخته، چاپ دهم، ترجمه علی اصغر عنایت، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۸۷ ش.
۳۵. کریستی، نیل، «اختلاف‌ها به مثابه دارایی»، ترجمه حسین غلامی، مجله فقه و حقوق، شماره ۸، ۱۳۸۶ ش.
۳۶. کوئن، بروس، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه غلامعباس توکلی و رضا فاضل، چاپ چهاردهم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲ ش.
۳۷. گواهی، عبدالرحیم، تاریخ ادیان در قرآن، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۷ ش.
۳۸. گیدنز، آنتونی، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ پنجم، تهران، نی، ۱۳۷۸ ش.
۳۹. لازرژ، کریستین، درآمدی بر سیاست جنسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرنآبادی، تهران، میزان، ۱۳۸۲ ش.
۴۰. محبی، صاحبعلی، قرآن از دیدگاه قرآن، چاپ دوم، قم، احسن الحدیث، ۱۳۸۶ ش.
۴۱. مساواتی آذر، مجید، آسیب‌شناسی اجتماعی ایران، چاپ سوم، تبریز، نوبل، ۱۳۸۴ ش.
۴۲. مسلمی‌زاده، عباس، «همه امتحان می‌شوند: نگاهی به فلسفه ابتلا، آزمایش از دیدگاه قرآن کریم»، روزنامه کیهان، ۱۳۱۷ ش.
۴۳. مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، چاپ چهل و هشتم، تهران، صدرا، ۱۳۸۵ ش.
۴۴. مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، چاپ دوم، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۳۸۱ ش.
۴۵. مکارم شیرازی ناصر و جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، چاپ پنجاه و پنجم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۷ ش.
۴۶. نوبر، رولان، انسان‌شناسی حقوقی، ترجمه امیر نیکبایی، تهران، جنگل، ۱۳۸۶ ش.
۴۷. نوروزی، محمد، آسیب‌شناسی رفتاری انسان از دیدگاه قرآن، چاپ سوم، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۶ ش.
۴۸. وایت، راب و فیونا هینز، جرم و جرم‌شناسی، ترجمه علی سلیمی، چاپ سوم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷ ش.
۴۹. ورام بن ابی فراس، تنبیه الخواطر و نزهة النواظر (مجموعه ورام)، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۸ ش.